

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.25384090.1399.9.1.5.3>

**The Investigation of Spatial-Place Dimensions of Terrorism in the
Border Areas of the Islamic Republic of Iran¹**

Hossein Shahmoradi- MA Student in Political Science, Amin Police University
Hadis Eghbal- PhD in International Relations and Assistant Professor at Amin
Police University²

Mohammad-Reza Rafi'ie Dolatabadi- PhD in Public Policy-Making and Assistant
Professor at Amin Police University

Received: 03, February, 2020 Accepted: 04, May, 2020

Abstract

Today, the word terrorism has taken on a new form as it enters new fields. Terrorism in a new approach (modern terrorism) is a re-transfer from the mental to the objective status. With the aim of investigating the spatial-place dimensions of terrorism in the Islamic Republic, this study, with a descriptive-analytical method based on theories of transmission, rationality, relative underprivileged, social and psychological education, globalization, ideology and peripheral center (Friedman), has explained spatial-place dimensions of terrorism in the Islamic Republic of Iran. The main question of this study is: what are the spatial-place dimensions of terrorism in the Islamic Republic of Iran? The research findings indicate that terrorism in the Islamic Republic of Iran has three spatial and geographical dimensions, which are as follows: environment (space), formation and activity of terrorist groups (location-scale); the targets of the attack and the geopolitical motives and consequences of terrorism. Terrorism also has very important structural-spatial dimensions, both structurally and functionally. These factors may include various political, cultural, social, economic, and religious aspects, or a combination of different indicators. The results indicate that the formation of terrorism in some marginal areas of the Islamic Republic of Iran is the result of a combination of geographical contexts as endogenous and infrastructural factors, and geopolitical features as exogenous and superstructure factors.

Keywords: Terrorism, Modern terrorism, Political geography, Environment, Place, Scale, Consequence.

¹-This article is adapted from the MA thesis in the field of Political ideology under the supervision of the second author and the third author's advice in the Faculty of Political ideology of Amin Police University in Tehran.

²(Corresponding Author).

hadis.eghbal@yahoo.com

فصلنامه علوم و فنون مرزی، دوره نهم، شماره ۱(۳۲)، بهار ۱۳۹۹

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.25384090.1399.9.1.5.3>

صص ۱۴۷-۱۲۳

بررسی ابعاد مکانی - فضایی تروریسم در مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران^۱

حسین شاهمرادی - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین

حدیث اقبال - استادیار روابط بین الملل دانشگاه علوم انتظامی امین^۲

محمد رضا رفیعی دولت آبادی - دکتری سیاستگذاری عمومی و استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۴

چکیده

امروزه واژه تروریسم با ورود به عرصه‌های جدید شکل و قالب تازه‌ای را پیدا کرده است، تروریسم در رویکرد جدید (تروریسم نوین) و انتقال مجدد از حالت ذهنی به عینی است. پژوهش حاضر با هدف تبیین ابعاد مکانی - فضایی تروریسم در مناطق مرزی جمهوری اسلامی با روش توصیفی - تحلیلی بر اساس نظریه‌های سرایت، عقلانی، محرومیت نسبی، یادگیری اجتماعی، روان شناختی، جهانی شدن، ایدئولوژی و مرکز پیرامون (فریدمن)، به نگارش درآمده است. پرسش اصلی این پژوهش به این ترتیب است که ابعاد مکانی - فضایی تروریسم در مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران به چه صورت می‌باشد؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تروریسم در نواحی مرزی جمهوری اسلامی ایران سه بعد مکانی و جغرافیایی دارد که عبارت‌اند از: محیط (فضای) شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی (مکان - مقیاس)؛ اهداف مورد حمله و انگیزه‌ها و پیامدهای ژئوپلیتیکی تروریستی. همچنین تروریسم هم به لحاظ ساختاری و هم از جنبه عملکردی دارای ابعاد مکانی - فضایی بسیار مهمی است. این عوامل ممکن است جنبه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی را شامل شوند یا ترکیبی از شاخص‌های گوناگون باشند. نتایج بیانگر آن است شکل‌گیری پدیده تروریسم در برخی از نواحی مرزی جمهوری اسلامی ایران، حاصل ترکیب زمینه‌های جغرافیایی، به‌منزله عوامل درون‌زا و زیربنایی، و ویژگی‌های ژئوپلیتیک، به‌منزله عوامل به‌رون‌زا و روبنایی، است.

واژگان کلیدی: تروریسم، تروریسم نوین، جغرافیای سیاسی، مناطق مرزی، مقیاس، پیامد.

۱ - این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته عقیدتی سیاسی به راهنمایی نویسنده دوم مشاوره نویسنده سوم در دانشکده عقیدتی سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین تهران می‌باشد.

۲ - نویسنده مسئول

مقدمه

واژه تروریسم از کلمه اخذ شده و به معنی ترس و وحشت شدید است. ترور پدیده‌ای جدیدی محسوب نمی‌شود و قدمت آن به تاریخ شکل‌گیری سیاست و حکومت بازمی‌گردد. اما در چند دهه گذشته و از اواخر قرن بیستم میلادی با توسعه تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی، گسترش سلاح‌های پیشرفته، سازمان‌دهی پیچیده، استفاده از ابزارهای قدرت و شکل‌گیری انگیزه‌های قومی، ملی ایدئولوژیک؛ روز به روز به قدرت و نقش آفرینی گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی افزوده شده است. (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۳: ۲)

ترور و تروریسم همواره از چالش‌های اساسی در جهان به شمار می‌آید که در هزاره سوم میلادی، بیش از هر دوره دیگری در تاریخ به آن توجه شده است. امروز گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی با ابزارها و روش‌های جدید، حملات مرگباری علیه شهروندان برخی کشورهای جهان برنامه‌ریزی و عمل می‌کنند. گسترش حملات تروریستی در سال‌های اخیر موجب شده است که متخصصان رشته‌های مختلف علوم انسانی، جنبه‌های مختلف این پدیده را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده تا دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش آن را تشریح کنند. در میان ابعاد مختلف تروریسم؛ بعد مکانی- فضایی آن مورد توجه خاص جغرافی‌دانان سیاسی است. در ادبیات تروریسم، تنها تعداد کمی از مطالعات جغرافیایی وجود دارد. ادبیات موجود در مطالعات جغرافیایی تروریسم بسیار اندک و تمرکز آن نیز بر توزیع و انتشار تروریسم بین مناطق جغرافیایی است. از سوی دیگر بسیاری از این مطالعات فاقد چهارچوب نظری هستند. (گالا هر و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶۶)

این در حالی است که بسیاری از گروه‌های تروریستی تحت تأثیر ویژگی‌های جغرافیایی مناطق و کشورهای مختلف یا اهداف سرزمینی شکل گرفته‌اند.

ایرانیان در چند دهه اخیر حملات تروریستی بسیاری را متحمل شده‌اند. نقطه اوج این حملات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ رخ داد، که گروه‌های تروریستی متعدد که مهم‌ترین آن‌ها منافقین بودند در کشور به صورت شبکه‌ای گسترده دست به اقدامات تروریستی سازمان‌یافته علیه مردم عادی و نخبگان سیاسی و نظامی زدند.

به طوری که می‌توان ایران را یکی از قربانیان تروریسم در جهان دانست. بر اساس آمار موجود تنها در اثر حملات گروهک تروریستی مجاهدین خلق ایران (منافقین) بیش از ۱۷۰۰۰ نفر کشته شده‌اند (www.infoplease.com). در ابتدای شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، ایران با پدیده تروریسم در انواع آن مواجه بوده است. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی در شرایطی که فاقد یک سیستم اداری، سیاسی و انتظامی قوی بود، دچار این پدیده شد، نظیر شورش و ترور گروه‌های مخالف در کردستان، خوزستان، جنگل‌های شمال، آمل و ترکمن صحرا که باهدف تضعیف و براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاد شدند. این وقایع هنگامی حادث شدند که نظام جمهوری اسلامی در حال شکل‌گیری بنیادها و پایه‌های حاکمیت خود بوده و نیروهای انقلاب درگیر مسائل آن بود. اقدامات تروریستی در این دوره علیه سیاستمداران، نظامیان و گروه‌های مختلف مردم صورت گرفته است. باین حال، الگوی زمانی-مکانی حملات در کشور، بر اساس نوع گروه‌هایی تروریستی اعم از ضدانقلاب و تجزیه طلب متفاوت است. با وجود اینکه این مطالعات و پژوهش‌های جغرافیایی صورت گرفته در مبحث تروریسم، از چارچوب نظری مشخص بی‌بهره‌اند.

از آنجایی که تروریسم هم از نظر ماهیت پدیده‌ای سیاسی محسوب می‌شود، بررسی ابعاد مختلف فضایی-مکانی آن در قلمرو علم جغرافیای سیاسی موضوعیت پیدا می‌کند. در ادبیات تروریسم، تنها تعداد کمی از مطالعات جغرافیایی وجود دارد. ادبیات موجود در مطالعات جغرافیایی تروریسم بسیار اندک و تمرکز آن نیز بر توزیع و انتشار تروریسم بین مناطق جغرافیایی است. از سوی دیگر بسیاری از این مطالعات فاقد چهارچوب نظری هستند این در حالی است که بسیاری از گروه‌های تروریستی تحت تأثیر ویژگی‌های جغرافیایی مناطق و کشورهای مختلف یا اهداف سرزمینی شکل گرفته‌اند. همچنین فعالیت‌ها و اقدامات گروه‌های تروریستی تأثیرات غیرقابل انکاری در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی گذاشته است. بنابراین کمبود تحقیقات علمی در حوزه جغرافیای سیاسی جغرافی دانان تروریسم در ارتباط با تروریسم از یک سو و اهمیت مکان و فضاهای جغرافیایی در شکل‌گیری، رشد و

استفاده تروریست‌ها از سوی دیگر، شناسایی و تبیین نظام‌مند ابعاد مکانی - فضایی این پدیده را الزامی می‌سازد. این موضوع در ایران تحت تأثیر ویژگی‌های جغرافیایی و اهداف سرزمینی خاصی شکل گرفته است و تروریست‌ها با تحرکات خود بر مکان‌ها و فضاها جغرافیایی و سیاسی تأثیر گذاشته‌اند. در همین زمینه نیاز است چارچوبی برای طرح بحث از ارتباط تروریسم و فضا و مکان فعالیت آنان در ایران وجود داشته باشد؛ چراکه مطالعات جغرافیایی تروریسم در ایران نظام‌مند نیست و وجود یک چارچوب به نظم مطالعاتی در این زمینه کمک خواهد نمود. مسئله پژوهش حاضر ایجاد چارچوبی برای طرح جغرافیای تروریسم در جمهوری اسلامی ایران بر بنیاد ابعاد مکانی - فضایی آن است. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که ابعاد مکانی - فضایی تروریسم در جمهوری اسلامی ایران چیست.

پیشینه تحقیق

ایزدی و دبیری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران" به بررسی تأثیراتی که جغرافیا بر شکل‌دهی پدیده تروریسم در سطح فضاها جغرافیایی دارد، می‌پردازد؛ و معتقد است که در ایران نیز ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کشور به‌خصوص در مناطق مرزی و حاشیه‌ای تأثیر زیادی در شکل‌گیری و فعالیت گروهک‌های تروریستی داشته است. تا جایی که این تأثیرگذاری در جنوب شرقی ایران بسیار حادث‌تر و عینی‌تر است. آن‌ها می‌گویند پاره‌ای از زمینه‌های جغرافیایی (طبیعی و انسانی) مانند بنیادهای زیستی ضعیف، فاصله زیاد از مرکز سیاسی حکومت، وجود عوارض جغرافیایی وسیع، توسعه نامتوازن منطقه‌ای، تفاوت قومی - مذهبی با حکومت مرکزی، مرزی بودن و ضعف شبکه ارتباطی و ... به‌عنوان عوامل درون‌زا و تعدادی از عوامل ژئوپلیتیکی مانند ویژگی‌های حکومت‌های همسایه، قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و ژئوپلیتیک مواد مخدر به‌عنوان عوامل برون‌زا دارای بیشترین میزان اثرگذاری در شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی در جنوب شرقی کشور می‌باشند. اطاعت و علی‌اکبری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی ابعاد مکانی - فضایی تروریسم" به بررسی بعد و

جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روانی و مکانی تروریسم پرداخته است و با روش توصیفی - تحلیلی، به ابعاد مکانی - فضایی تروریسم در جهان و مباحثی مانند امنیت ملی، توانایی دولت‌ها برای حفظ هویت مستقل و تمامیت کاربردی (جمعیت، سرزمین و دارایی) می‌پردازد. همچنین جغرافیای سیاسی را نیز یکی از شاخه‌های جغرافیای انسانی می‌داند که در عرصه امنیت پژوهی، بیشتر بر وجه مصداقی آن تأکید شده است. باید توجه داشت که موضوع محوری جغرافیای انسانی، عموماً پدیده دولت یا ناحیه سازمان‌یافته سیاسی است و به بررسی کالبد، عناصر، ویژگی‌ها و رفتار دولت می‌پردازد؛ بنابراین، جنبه‌های مختلف دولت نظیر علت پیدایش، موقعیت، کانون سیاسی، ویژگی‌های سرزمینی، ملت، نظام سیاسی، ساختار سیاسی، فضا، الگوی فضایی توزیع قدرت، روابط میان دولت با دولت‌های دیگر، قدرت ملی، الگوی مدیریت سرزمین و روابط سطوح مختلف دولت با شهروندان در اداره امور کشور، در کانون توجه مطالعات جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرد. اطاعت و دبیری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی جغرافیای حملات تروریستی با از استفاده از نظریه عقلانی» با روش توصیفی تلاش نموده‌اند با استفاده از نظریه انتخاب عقلانی، منطق حاکم بر حملات تروریستی در زمینه انتخاب مکان حمله و روش مورد استفاده، شناسایی و مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که اکثر حملات تروریستی به ترتیب در مکان‌های عمومی به شکل بمب‌گذاری، در زیرساخت‌های حیاتی با استفاده از حمله مسلحانه و بمب‌گذاری و در مکان‌های سیاسی به روش انتحاری صورت می‌پذیرد، زیرا که حمله به این مکان‌ها بیشترین سود و کمترین هزینه را برای تروریست‌ها در بردارد. افضلی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «ژئو تروریسم: رویکرد جغرافیایی به تروریسم» به شاخص‌های جغرافیای مورد توجه در بررسی مفهوم ژئوتروریسم می‌پردازد. و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که بین متغیرهای جغرافیایی (موقعیت جغرافیایی مکان‌ها، اقلیت‌های قومی و مذهبی و ...) رابطه معناداری وجود دارد.

این پژوهش با در نظر گرفتن دیدی جامع تر نسبت به تحقیقات پیشین بررسی مؤلفه‌های متنوع اما مرتبط و درهم تنیده را در نظر داشته است؛ از این رو با توجه به جوانب مختلف جغرافیای، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک و اقتصادی به مباحث ساختاری و عملکردی در ابعاد مکانی فضایی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است و علاوه بر ترکیب شاخص‌ها، عوامل درون‌زا و برون‌زا را هم‌زمان در نظر گرفته و مورد تحلیل قرار داده است.

مبانی نظری

تبیین روان‌شناختی تروریسم

در میان نظریه‌هایی که به تبیین ریشه‌های تروریسم می‌پردازند، نظریه‌ای روان‌شناختی نیز همواره مورد توجه بوده‌اند. این رویکرد روان‌شناختی که افرادی نظیر جرالند پست به آن پرداخته‌اند، بر این نظر مبتنی است که افراد به‌منظور ارتکاب اعمال خشونت‌بار به مسیر تروریسم کشانده می‌شوند و منطق خاص این گروه که ریشه در روانشناسی آنان دارد و در لفاظی هایشان منعکس می‌شود، چیزی جز توجیه اعمال خشونت‌بار آن‌ها به حساب نمی‌آید. (اسماعیلی، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۸). مطابق نظریه روان‌شناختی، برای تفسیر و تبیین پدیده تروریسم لزوماً نباید اهداف و مصالحی عالی را سراغ گرفت، بلکه افراد به این دلیل تروریست می‌شوند و خود همین موضوع است که برای آن‌ها جذابیت دارد. بر این اساس گروه‌های تروریستی حد افراطی ویژگی‌های «تفکر گروهی» را به نمایش می‌گذارند. لذا اگر تروریسم خود دلیل استفاده از تروریسم باشد، مطابق این رویکرد هیچ‌گاه امیدی برای خاتمه آن وجود نخواهد داشت. (رایش، ۱۳۸۵: ۶۹-۶۷).

ایدئولوژی و تروریسم

از ابزارهایی که در دستیابی به قدرت مورد استفاده قرار می‌گیرد ایدئولوژی است. و از آنجا که در بخش مهمی از تروریسم در حاضر متکی به دین و مذهب می‌باشد، این مسئله مورد توجه بیشتری قرار گرفته است (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۸۱). ویلکیسیون استدلال می‌کند که تبیین تروریسم باید در چارچوب اجتماعی، ایدئولوژی، و اعتقاد تروریست متمرکز

باشد. وی اظهار نظر می کند که قوی ترین ابزار برای درک تروریسم کشف انگیزه های تروریسم و ارتباط آن با تاریخ، فرهنگ، ایدئولوژی و اهداف گروه های درگیر است. از این رو این پدیده را باید در رابطه با زمینه اجتماعی که در آن رخ می دهد مورد مطالعه قرار داد. باید توجه داشت که مهم ترین و خطرناک ترین حملات تروریستی (حملات انتحاری) توسط گروه های با ایدئولوژی مذهبی انجام شده است. مانند لشکر طیب و جنبش محمد که در افغانستان، پاکستان و هند، از جوانان کم سواد در حملات انتحاری استفاده می کند. که از دیدگاه این گروه ها این عمل نوعی وظیفه مذهبی در حفاظت از مسلمانان محسوب می شود. بنابراین اگرچه ایدئولوژی مذهبی تنها دلیل حملات تروریستی [انتحاری] نمی باشد اما در برخی از مواقع آن را وخیم تر می کند. (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۳: ۹۹).

نظریه سرایت از تروریسم

سرایت نیز به معنای آن است که رخ دادن حوادث تروریستی در یک کشور احتمالاً موجب شکل گیری این حوادث در کشور همسایه می شود. نتیجه آنکه بسیاری از کشورها که تجربه این پدیده را نداشته اند، در یک دوره زمانی حوادث تروریستی را تجربه می کنند. مبحث سرایت از تروریسم، علاوه بر بعد زمانی، جنبه جغرافیایی و مکانی نیز دارد. به این ترتیب که مشاهده پدیده های تروریستی با تعداد بسیار در یک کشور اغلب با افزایش این حوادث در کشورهای همسایه و منطقه ارتباط دارد. این حملات ممکن است به دست همان سازمان، نسل دیگری از آن سازمان، هواداران خارجی و شرکای ائتلافی یا گروه هایی صورت گیرد که از آن سازمان تقلید می کنند این جنبه نظریه سرایت از تروریسم با نظریه «پخش سرایتی» در جغرافیا، که پدیده ای به صورت گسترش مجاورتی از مبدأ به دیگر نقاط گسترش می یابد. انطباق دارد. نظریه سرایت در تجزیه و تحلیل تروریسم بیش از آنکه به زمینه شکل گیری و زایش تروریسم بپردازد بیشتر به دلایل انتشار و گسترش تروریسم در یک زمان و از مکانی به مکان دیگر می پردازد. اما نکته مهم آن است که مکانیسم های انتقال

و سرایت تروریسم تبیین‌های مهمی در گسترش جغرافیای تروریسم ارائه می‌دهد. (اطاعت و دبیری، ۱۳۹۵: ۲۴).

روش تحقیق

روش مطالعه این پژوهش، توصیفی- تحلیلی است. در جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و همچنین وب‌سایت‌های علمی و گزارش‌های بین‌المللی در ارتباط با حملات تروریستی استفاده شده است.

بحث و یافته‌ها

حملات تروریستی در ایران

ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با موج گسترده‌ای از حملات تروریستی از سوی گروهک‌های گوناگون ضدانقلاب و جدایی طلب مواجه شده که در این حملات بسیاری از مردم و مسئولان جان خود را از دست داده‌اند. بر اساس آمار و اطلاعات داخلی موجود، اقدامات تروریستی در ایران بیش از ۱۷ هزار قربانی گرفته است.^۱ قربانیان اصلی حملات تروریستی در ایران مردم عادی بودند. بعد از آن‌ها مسئولان سیاسی کشور و نظامیان بیشتر از سایر افراد هدف تروریست‌ها قرار گرفته‌اند. علاوه بر این عمده‌ترین شکل حملات در ایران مانند سایر نقاط جهان به صورت بمب‌گذاری، حملات مسلحانه و حمله به زیرساخت‌های حیاتی بوده است.

گروه‌های تروریستی در ایران؛ گروه‌های ضدانقلاب، ضد حکومتی و سلطنت طلب و همچنین، گروه تجزیه طلب را شامل می‌شود. که در نواحی مختلف کشور اقدامات مسلحانه خود را انجام داده یا می‌دهند. اما مرگبارترین حملات تروریستی در پایتخت و نواحی حاشیه‌ای کشور صورت پذیرفته است. در سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های جدایی طلب در غرب (کردستان و آذربایجان غربی) و جنوب غرب (اهواز، آبادان، خرمشهر) حملات تروریستی با تلفات زیادی را انجام دادند. در این حمله صدها نفر از مردم، مسئولان و نظامیان جان خود را از دست داده‌اند (دبیری و اطاعت، ۱۳۹۵: ۱۹۵).

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی هابلیان

تحلیل زمانی حملات تروریستی در ایران (۹۲-۱۳۵۷)

حملات تروریستی در ایران، را با توجه شدت آن می‌توان به سه موج در سه دوره زمانی تقسیم کرد. این سه موج حملات تروریستی عبارت‌اند از:

موج نخست حملات تروریستی در دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ هـ ش: این دوره که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد، بزرگ‌ترین موج حملات تروریستی در ایران محسوب می‌شود. در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ بیشترین و شدیدترین حملات در کشور به وقوع پیوست. از گروه‌های فعال در این دوره، می‌شود به گروه‌های جدایی طلب و ضدانقلاب اشاره کرد که می‌توان به گروه‌های خلق عرب در خوزستان، گروه‌های تروریستی کومله در کردستان و حزب دمکرات کردستان و فتنه ترکمن صحرا اشاره کرد. در این دوره، برخی از مسئولان درجه یک نظام مانند رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، رئیس قوه قضائیه، نمایندگان مجلس، وزرا، امامان جمعه، جماعت و قشرهای گوناگونی از مردم هدف قرار گرفته‌اند.

موج دوم حملات تروریستی در دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ هـ ش: این دوره مصادف با پایان جنگ تحمیلی بود. حملات تروریستی در این دوره، مانند دوره قبل، به شکل بمب‌گذاری و حملات مسلحانه انجام شد و علاوه بر اقدامات تروریستی در داخل کشور، حملاتی در خارج از کشور نیز علیه نظام صورت گرفت؛ مانند حملاتی که به سفارتخانه‌های ایران در کشورهای اروپایی شد. که نمونه آن حمله و اشغال سفارتخانه ایران در لندن توسط گروهی که خود را از طرفداران خودمختاری استان خوزستان می‌نامیدند می‌باشد.

موج سوم حملات تروریستی در دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ هـ ش: در این دوره به دلیل قدرت بسیار اطلاعاتی و امنیتی کشور، گروه‌های تروریستی توانایی خود را برای ترتیب دادن اقدامات تروریستی تا حد بسیار زیادی از دست دادند. با وجود این، در همین دوره گروه‌های تروریستی و جدایی طلب جدیدی در نواحی حاشیه‌ای و برخی از استان‌های مرزی کشور شکل گرفتند. از این گروه‌ها می‌شود به جندالله، جیش العدل و

پژاک اشاره کرد. در سومین موج حملات تروریستی در ایران ضمن کاهش چشمگیر حملات، تمرکز آن‌ها از تهران به نواحی حاشیه‌ای کشور بیشتر شد.

الگوی فضایی- مکانی حملات تروریستی در ایران

در دوره زمانی ۳۵ ساله، یعنی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۲، اقدامات تروریستی در ایران از الگوی فضایی خاصی برخوردار بود. به‌طور کلی، تمرکز حملات با ۲۱۰ حمله (نزدیک به ۳۸٪ از کل حملات) در تهران اتفاق افتاده است. علاوه بر این، تعداد اقدامات تروریستی در برخی از استان‌های مرزی و حاشیه‌ای از جمله سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی و خوزستان و همچنین شهرهای بزرگ و مرکزی مانند شیراز، مشهد و اصفهان چشمگیر بوده است. در موج اول حملات تروریستی، کانون مکانی حملات تهران و مناطق پیرامونی کشور، از جمله کردستان و خوزستان بوده است. موج دوم حملات تروریستی عمدتاً در تهران و شهرهای بزرگ رخ داده است. و در موج سوم حملات تروریستی، تمرکز حمله‌ها تا حدود بسیاری از پایتخت خارج شده و به استان‌های مرزی مانند سیستان و بلوچستان کشیده شده، به‌طوری که این ناحیه در حال حاضر به مهم‌ترین فضای فعالیت تروریستی در کشور تبدیل شده است.

تحلیل مکانی- فضایی تروریسم حاشیه‌ای (جدایی طلب) در ایران

مناطق حاشیه‌ای کشور در جنوب کشور، جنوب غرب و شمال غرب کم‌وبیش دارای ویژگی‌های مشترکی‌اند که در زمینه را برای فعالیت و اقدامات برخی از گروه‌های تروریستی فراهم آورده است. بر این اساس، در چارچوب مطالعات جغرافیایی و ابعاد مکانی- فضایی تروریسم، این سؤال مطرح می‌شود که چه ویژگی‌ها و شرایطی در این نواحی حاشیه‌ای وجود دارد که موجب شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های خشونت‌طلب و تروریستی شده است؟

به نظر می‌رسد مجموعه‌ای از شرایط مکانی با ابعاد مختلف طبیعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و همچنین، برخی از عوامل ژئوپلیتیکی موجب شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های

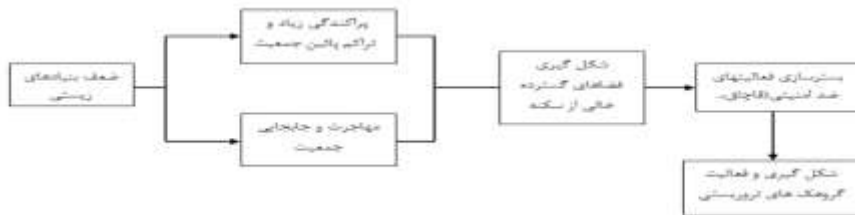
تروریستی در این مناطق شده است. در این خصوص می توان از نظریه شکاف ها نیز استفاده کرد و از شکاف متراکم برای تبیین موضوع کمک گرفت. به این معنی اگر شکاف ها بر هم بار شوند و یکدیگر را تقویت کنند پتانسیل خشونت و منازعه افزایش می یابد، به طور مثال، در استان سیستان و بلوچستان چند شکاف بر هم باز شده و یکدیگر را تقویت کرده اند. شکاف قومی بین «بلوچستان و فارس»، شکاف مذهبی بین «اهل سنت و پیروان تشیع»، شکاف «توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی» و شکاف متراکم «عدم مشارکت بلوچ در اداره کشور» باعث شکاف متراکم شده است. از طرفی، هرچه این شکاف متراکم تر شود، واگرایی و گریز از مرکز شدت می باید و احتمال افزایش خشونت بیشتر خواهد بود. (دبیری. اطاعت، ۲۰۲:۱۳۹۵).

عوامل و شرایط مکانی که دارای ماهیت درونزا و زیر بنایی اند، شامل موارد زیر می شود.

بنیادهای زیست محیطی ضعیف

بنیادهای زیستی مناسب (آب، خاک، پوشش گیاهی ...) از اصول اساس و اولیه رشد و توسعه یک ناحیه یا یک کشور هستند. حیات انسانی و امکان زیست گروه های انسانی در فضاهای جغرافیایی و قلمرو دولت ها و کشورها، مستلزم وجود زیربنای آب و خاک. آب و هوای مساعد و نظایر آن است (حافظنیا، ۱۳۸۶:۹۲). در واقع بنیادهای زیستی در شکل گیری، گسترش، تکامل و بقای حیات اجتماعات انسانی تأثیری زیادی دارند (حافظنیا، ۱۳۸۶:۷۶). اما شرق و جنوب شرق کشور از این لحاظ دارای شرایط نامناسبی است. مجاورت جنوب شرق کشور با کمربند بیابانی کره زمین و قرار گرفتن در منطقه گرم و خشک موجب گرمای شدید، خشک سالی، کم آبی و، در نتیجه، ضعف بنیادهای زیستی در این ناحیه شده است. در واقع، بنیادهای زیستی در جنوب شرق کشور، اعم از آب و خاک و پوشش گیاهی، در ضعیف ترین شرایط قرار دارند. (ابراهیم زاده، ۱۳۷۹:۸۴). میزان بارندگی در ناحیه بلوچستان از ۱۱۵ میلی متر کمتر است. رودخانه های این منطقه نیز فصلی و موقتی جریان دارند و در نتیجه، منابع آب زیرزمینی با محدودیت مواجه است

(نگارش، ۱۳۷۹: ۳۰۱). در مجموع ضعف شرایط زیستی در این منطقه موجب پراکندگی زیاد جمعیت و مهاجرت گسترده، به ویژه در چند سال اخیر، در جنوب شرق کشور شده است. این فضاهاى خالی و گسترده بستر مناسبی را برای فعالیت‌های ضد امنیتی از جمله قاچاق مواد مخدر، شرارت و ... فراهم آورده است؛ زیرا که بین میزان جمعیت و امنیت ارتباط مستقیمی وجود دارد. در نهایت وجود این شرایط مکانی- فضایی در این ناحیه از کشور شکل‌گیری و فعالیت گروهک‌های تروریستی را تسهیل نموده است. بنابراین ضعف بنیادهای زیستی در جنوب کشور با متغیرهای واسطه‌ای تراکم پائین، پراکندگی زیاد جمعیت، مهاجرت و وجود فضاهاى خالی گسترده زمینه‌ساز فعالیت‌های ضد امنیتی گروهک‌های تروریستی می‌باشد.



شکل شماره ۱. مدل ارتباط بین ضعف بنیادهای زیستی با شکل‌گیری و فعالیت‌های گروهک‌های تروریستی: (ایزدی و دبیری ۱۳۹۲ - ۱۳۹۱)

نواحی غربی و شمال غرب کشور اگرچه در مقایسه با جنوب شرق از بارندگی و پوشش گیاهی مناسب‌تری برخوردارند، ولی به دلیل شیب زیاد در نواحی کوهستانی، منابع خاکی آن فرسایش بسیار یافته و در نتیجه، کیفیت نامناسبی دارند. این امر توسعه کشاورزی و امکان استقرار جمعیت را با مشکل اساسی مواجه کرده است. جنوب غرب کشور و استان خوزستان نیز، به رغم خاک و آب مناسب، به دلیل گرمای شدید هوا و همچنین، وجود گرد و خاک از شرایط مناسبی برخوردار نیست (اطاعت و دبیری، ۱۳۹۵: ۲۰۲).

توپوگرافی و عوارض جغرافیایی گسترده

ایران، به لحاظ توپوگرافی، دچار عدم تقارن است؛ یعنی بیشترین تراکم ارتفاعات و دیواره‌های پیوسته و مرتفع، در ضلع‌های شمالی، غربی و شمال غربی و تا اندازه‌ای در ضلع

جنوبی کشور وجود دارد؛ درحالی که ضلع شرقی کشور فاقد دیواره بلند و پیوسته بوده و ترکیبی از پستی و بلندی‌های گسسته را در خود جای داده است. در واقع توجه به اینکه بخش عمده‌ای از فضای ایران را کوه‌ها، بیابان‌ها، باتلاق‌ها و سطوح آبی فراگرفته است، میزان دسترسی به فضاهای مفید برای فعالیت‌های توسعه‌ای بسیار محدود و اندک است (کامران و همکاران، ۱۳۸۴: ۹). در جنوب شرق ایران عوارض ژئومورفولوژیکی و جغرافیای چندی وجود دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌شود به بیابان‌ها، کویرها، کوهستان‌ها و حوضه‌های آبریز اشاره کرد. (علایی طالقانی، ۱۳۸۲: ۳۰۱۲). توده تفتان به صورت توده کوهستانی ضخیم و عریضی در شمال شهر خاش خودنمایی می‌کند که بلندترین قله آن ۳۹۴۱ متر ارتفاع دارد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۳). غرب و شمال غرب کشور، مخصوصاً در نواحی مرزی، ارتفاعات و کوهستان بلند و صعب‌العبوری دارد. رشته کوه‌های زاگرس در این ناحیه دره‌های عمیق و گردنه‌های پریپچ‌وخمی دارد که دسترسی به آن‌ها به راحتی امکان‌پذیر نیست. کوه شاهو با ارتفاع ۳۳۰۰ متر بلندترین بخش منطقه کردستان است. وجود این عوارض جغرافیایی گسترده و توپوگرافی خشن قدرت مانور گروهک‌های تروریستی و اشرار مسلح را در این منطقه افزایش داده به طوری که شناسایی و تعقیب آن‌ها را بسیار دشوار کرده است. در واقع تروریست‌ها و اشرار از این عوارض جغرافیایی برای اختفاء، استتار و فرار از چنگ نیروهای نظامی و امنیتی استفاده می‌کنند از سوی دیگر، گستردگی عوارض جغرافیایی و توپوگرافی خشن امکان شناسایی تمام بسترها و لایه‌های فضای جغرافیایی جنوب شرق، غرب و شمال غرب کشور را برای نیروهای حکومتی ناممکن ساخته است. در واقع، این نواحی از لحاظ ویژگی‌های فضای جغرافیایی (گسترده‌گی، تنوع، و خشونت) مکان مناسبی برای فعالیت‌های این گروهک‌ها محسوب می‌شود... (اطاعت و دبیری، ۱۳۹۵: ۲۰۴).

انزوای جغرافیایی و دوری از مرکز

نواحی و استان‌های ایران که گروه‌های تروریستی در آن‌ها فعالیت می‌کنند. بیشترین فاصله جغرافیایی را از مرکز سیاسی حکومت دارند. استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و

کرمانشاه دورترین استان‌های غربی کشور از تهران می‌باشند. استان خوزستان نیز دورترین استان در جنوب غربی ایران است، اما در این میان این نواحی و استان‌ها، سیستان و بلوچستان بیشترین شرایط را داراست. (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۷۳). واقعیت آن است که در جغرافیای سیاسی ایران، فاصله جغرافیایی همواره کارکرد سیاسی-امنیتی داشته است و با افزایش فاصله از حکومت مرکزی، اقتدار حاکمیت‌ها نیز کاسته می‌شده و این امر در نواحی حاشیه‌ای و مرزی به بیشترین میزان خود می‌رسد. این کاهش توانایی در کنترل، مدیریت و نظارت بر نواحی دورافتاده زمینه را برای قانون‌گریزی و حکومت مرکزی فراهم می‌آورد که یکی از نتایج آن شکل‌گیری و فعالیت اشراک و گروهک‌های تروریستی است. بنابراین جنوب شرق، جنوب غرب، غرب و شمال غرب از مناطقی‌اند که فاصله و انزوای جغرافیایی در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی تأثیر چشمگیری داشته است.



شکل شماره ۲. تأثیر انزوای جغرافیایی در شکل‌گیری و فعالیت‌های تروریست‌ها: منابع: (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۲: ۱۰۵)

توسعه نامتوازن منطقه‌ای

برخی مطالعات انجام شده عدم تعادل و شکاف نابرابرهای پیرامون در کشور را حتی بیشتر از ده برابر مرکز دانسته و اعلام می‌کنند که در توسعه کشور الگوی مرکز پیرامون، حاکمیت شدیدی دارد، به طوری که بیشتر شهرستان‌های عقب‌مانده در نواحی حاشیه‌ای و مرزی کشور واقع شده‌اند. (کلانتری، ۱۳۸۸: ۱۹۳). بر اساس این عدم تعادل منطقه‌ای آثار و عواقب زیان‌بار فراوانی برای کشور به دنبال دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به افزایش بسترهای نارضایتی‌های اقتصادی-اجتماعی، ادامه روند مهاجرت، افزایش فرایند واگرایی و مرکز‌گریزی، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، عدم بهبودی در وضع اشتغال و ادامه روند بیکاری، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه بخش‌های وسیعی از جنوب شرق کشور اشاره کرد. (احمدی پور، ۱۳۸۸، ۲۶). توزیع نابرابر فرصت‌ها، سرمایه‌ها و منابع،

گذشته از آن که به توسعه نامتوازن در کشور می‌انجامد و پایداری توسعه را تهدید می‌کند، دستاویزی است که عوامل خارجی با مستمسک قرار دادن آن می‌توانند بهانه‌های لازم برای رشد جریانات واگرا و ایجاد بحران‌های قومی را در اختیار داشته باشد. (قوشچی و نادری، ۱۳۹۳: ۸۳). و از آنجا که امنیت و توسعه در مناطق مرزی و حاشیه‌ای با ضریب همبستگی بالا رابطه مستقیمی دارد، این عوامل زمینه‌ساز شکل‌گیری و فعالیت اشراک و گروهک‌های تروریستی می‌شود. در مجموع می‌توان گفت ناامنی و فعالیت‌های این گروه‌ها در این مناطق تا حدودی به توسعه‌نیافتگی و پیامدهای ناشی از آن مانند فقر، احساس تبعیض، واگرایی از حکومت مرکزی، بی‌اعتمادی به سیاست‌های نظام، نارضایتی عموم، قاچاق و... مرتبط است (اطاعت و دبیری، ۱۳۹۵: ۲۰۶).

تفاوت قومی - مذهبی با حکومت مرکزی و اقلیت‌های قومی

ایران کشوری است متشکل از اقوام مختلف که عناصر و مؤلفه‌های متفاوتی بین آن‌ها و دولت مرکزی پیوند یا گسست ایجاد کرده و احساس تعلق قومی در میان طیف وسیعی از جمعیت کشور، کتمان‌ناپذیر است (مشکینی، ۱۳۷۸: ۱۵۸). و به لحاظ قومی و حتی مذهبی کشوری ناهمگن به شمار می‌آید و اقلیت‌های قومی (ترک، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن) و مذهبی (اهل سنت) به لحاظ جغرافیایی در نواحی حاشیه‌ای و مرزی قرار دارند (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۳: ۱۱۰). محل اصلی سکونت قوم کرد در ایران در غرب، قوم عرب در جنوب غرب و قوم بلوچ در جنوب شرق کشور قرار دارد که با هم‌تایان خود در آن سوی مذهب، زبان و قومیت از سایر نقاط مرکزی متفاوت است و جزء منطقه بحرانی بالقوه درجه یک محسوب می‌شود. این در حالی است که در جنوب غرب کشور، به‌رغم تفاوت قومی، غلبه با مذهب تشیع است که جزء منطقه بحرانی بالقوه درجه دو محسوب می‌شود. در نواحی بلوچ‌نشین و کردنشین، عوامل واگرایی سنتی قوم بلوچ و کرد که شامل قومیت مذهب، زبان و انزوای جغرافیایی است، در کنار توسعه‌اقتصادی ضعیف و احساس محرومیت واگرایی را از حکومت مرکزی شدت بخشیده است. (اطاعت و دبیری، ۱۳۹۵: ۲۰۸). پیامد این بی‌اعتمادی‌ها و مرزبندی‌ها احساس تحقیر و تضعیف بوده است و در نتیجه، شکاف‌های

اجتماعی آن‌هم حول قومیت و مذهب بیش‌ازپیش شدت یافته است. (حسینی، ۱۳۸۵: ۶). در مجموع می‌شود گفت وجود عوامل واگرایی قومی، مذهبی، زبانی، جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی و همچنین بی‌اعتمادی متقابل و مشارکت نداشتن قوم بلوچ و کرد در مدیریت سیاسی فضای سرزمینی، خود، زمینه را برای ایجاد فضای ملتهب و پرتنش فراهم آورده که نتیجه این امر موجب سوءاستفاده اشراک و گروهای مخالف جمهوری اسلامی در منطقه می‌شود.

نظام قبیله‌ای و پیوند-مذهبی با آن‌سوی مرز

اقوام مختلفی مانند بلوچ، ترکمن، ترک، عرب، کرد و برخی از اقوام ایرانی در مناطق مرزی ساکن هستند و پیوندهایی فرهنگی و مذهبی با اقوام کشورهای همسایه دارند (جلانی پور، ۱۳۷۲: ۴). در چنین مناطقی که محل سکونت این اقوام می‌باشد، معمولاً نظام اجتماعی تا حد زیادی تحت تأثیر ساختارهای قومی و طایفه‌ای قرار دارد. از پیامدهای امنیتی چنین ساختاری حمایت قبیله و طایفه از افراد خود به هر قیمتی است. در چنین زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، میزان پذیرش و مقبولیت دستورها و فرمان‌های رؤسای طوایف، مولوی‌ها از حاکمیت و دستورات حکومتی بیشتر است. چنین وضعیتی از نفوذ حکومت و کارگزاران حکومتی در میان مردم می‌کاهد (قالیباف، ۱۳۸۵: ۸۰). دلایل و ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی اعم از فرهنگ، زبان، مذهب و عقاید و رسوم، درآمد، نوع معیشت نیز از عوامل دخیل در این امر بوده است. (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۷). نتیجه این ارتباطات اجتماعی و جغرافیایی موجب عبور و مرور غیرمجاز مرزی می‌شود و کارکردهای امنیتی را نادیده می‌گیرد که خود پیامدهای امنیتی متعددی را برای حکومت دارد. هم‌جواری این گروه‌ها در کنار کشورهای همسایه می‌تواند به‌عنوان کانون تنش و بحران مطرح باشند. در این میان، امکان سوءاستفاده دشمن از گروهای قومی مرزنشین و به کار بردن برخی از این افراد در عملیات خرابکارانه در پوشش‌های مختلف و همچنین، عبور اسلحه و اطلاعات را در بسیاری از مناطق مرزی این مناطق کشور افزایش می‌دهد. (اطاعت و دبیری، ۱۳۹۵: ۲۰۹).

مرزی بودن

مرزی بودن ویژگی مشترک تمام نواحی کشور است که گروه‌های ضد حکومتی و تروریست‌ها در آن نواحی فعالیت می‌کنند. استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و خوزستان بخش‌های بسیاری از مرزهای کشور را پوشش می‌دهند. گروه‌هایی سعی کرده‌اند مناطق مرزی را در کردستان، خوزستان صحنه ترور و خشونت کنند. بیشتر این ناآرامی‌ها با پوشش رسانه‌های هم‌جوار و حمایت خارجی با تحریک قومیت‌ها ساکن در مناطق مرزی همراه شده‌اند، اما ایران امروز بیشترین حملات تروریستی را در مرزهای شرقی تجربه می‌کند (سایت آفتاب نیوز، تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۲). سیستان و بلوچستان، در میان استان‌های مرزی، بیشترین میزان طول مرز را با همسایگان داراست. تمام طول مرزی ایران با پاکستان از طریق استان سیستان و بلوچستان است. که مجموعاً ۱۲۶۰ کیلومتر است که تقریباً ۲۸۲ کیلومتر آن مرز ایران و افغانستان است و ۹۷۸ کیلومتر آن مرز ایران و پاکستان را تشکیل می‌دهد (افشاری سیستانی، ۱۳۶۹:۷۲۹). استان‌های خوزستان، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی نیز همگی به ترتیب ۴۲۰، ۳۳۰ و ۲۳۰ کیلومتر با کشور عراق دارای مرز مشترک‌اند که شهرهای مرزی این استان‌ها بیشترین حملات تروریستی را در خود دیده‌اند. گستره جغرافیای وسیع نامساعد، امکان کنترل مرزها را در این نواحی از کشور را مشکل کرده، به طوری که عبور غیرقانونی از مرز امکان‌پذیر است. در این بین اشرار، قاچاقچیان و تروریست‌ها از این ویژگی نواحی (مرزهای طولانی و قابل گذر) نهایت استفاده را می‌کنند. آن‌ها بعد از هر حمله تروریستی و گروگان‌گیری به سرعت از مرز خارج می‌شوند و محدودیت‌های مرزی، تعقیب و دستگیری آن از سوی نیروهای انتظامی و اطلاعاتی به راحتی امکان‌پذیر نیست. بنابراین، ارتباط مستقیمی بین مرزی بودن با میزان حملات تروریستی در جنوب شرق، غرب و شمال غرب و جنوب غرب کشور مشاهده می‌شود (اطاعت و دبیری، ۱۳۹۵: ۲۱۰). به طور کلی جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت مرزها به دلیل گستردگی مرزها و وجود کشورهای ناآرام همسایه، با چالش‌ها و تمهیدات متنوعی روبرو است. مناطق مرزی به دلیل مجاورت با

کشورهای خارجی و شرایط جغرافیایی و سیاسی حاکم بر آنها، ویژگی‌های خاصی دارند و چنانچه مورد توجه قرار نگیرند، تأثیر منفی بر توسعه و امنیت ملی خواهند داشت. (مختاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹۲).

ویژگی ژئوپلیتیکی مؤثر در شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی در نواحی مرزی کشور

اگرچه ویژگی‌های جغرافیایی با ماهیت‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ارتباطی زمینه‌ساز شکل‌گیری و فعالیت‌های گروه‌های تروریستی و اشرار در نواحی حاشیه‌ای کشور هستند، اما عوامل ژئوپلیتیکی به‌عنوان شاخص‌های برون‌زا و روبنایی نقش اجرایی و عملیاتی را در ظهور و فعالیت آنها در نواحی حاشیه‌ای کشور ایفا می‌کنند و مهم‌ترین آن شامل موارد زیر می‌شود.

دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای

از جمله قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای که مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی در نواحی حاشیه‌ای کشور تأثیر گذارند، می‌شود به اسرائیل، آمریکا، پاکستان و عربستان سعودی اشاره کرد. این امر در ناحیه جنوب شرق ایران بسیار حادث‌تر است. حضور گسترده‌تر آمریکا در منطقه و اشغال افغانستان همراه با عکس‌العمل‌های منطقه‌ای زمینه را برای گسترش افراط‌گرایی و تروریسم مهیا ساخت. (پیشگاهی فرد، ۱۳۹۳: ۷۴). واقعیت آن است که آمریکا و اسرائیل تمام نیروهای مخالف را برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی به کار می‌گیرند و از این گروهک‌ها در نواحی حاشیه‌ای کشور استفاده ابزاری می‌کنند به طوری که حمایت اطلاعاتی از تروریست‌های جنوب شرق ایران از سوی این دو کشور امر اثبات‌شده‌ای است. بنابراین، حمایت اطلاعاتی، آموزشی، تجهیزاتی و همچنین اعتقادی و ایدئولوژیک از سوی قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای از عوامل برون‌زای مؤثر در شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌ها در نواحی حاشیه‌ای کشور است!

ژئوپلیتیک مواد مخدر

بحران مواد مخدر در جهان کنونی در کنار بحران‌های دیگر مانند قاچاق اسلحه و انسان، بیماری ایدز و... از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های بشریت است. کشور ما ۸ هزار و ۷۵۵ کیلومتر مرز مشترک با ۱۵ کشور دارد مرزهای ۲۰۰۰ کیلومتری شرقی کشور از مهم‌ترین مرزهای ایران به شمار می‌روند. (سردار حسین آبادی، ۱۳۸۸). موقعیت جغرافیایی ایران به‌طور عام و استان سیستان و بلوچستان به‌طور خاص در کنار بزرگ‌ترین کانون کشت خشخاش و تولید مرفین و هروئین در جهان و در منطقه موسوم به هلال طلایی (افغانستان و پاکستان) قرار گرفته است. (کریم پور، ۱۳۸۰: ۱۵۱). در این ناحیه از کشور، برخی از شرایط ناشی از تولید و ترانزیت مواد مخدر در شکل‌گیری و تقویت اشرا و گروه‌های تروریستی مؤثر بوده است. علاوه بر جنوب شرق، گروه‌های تروریستی در نواحی شمال غرب کشور نیز در انتقال مواد مخدر به اروپا نقش اساسی را ایفا می‌کنند. پژاک، شاخه ایرانی پ ک ک، نقش مهمی در ترانزیت مواد مخدر به‌ویژه در مرزهای ایران دارد. رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر جمهوری اسلامی ایران، مواد مخدر را عمده‌ترین منبع تأمین مالی سازمان‌های تروریستی پ ک ک و پژاک خواند. (پورموسوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۰). بنابراین، جرائم بین‌المللی مانند ترانزیت و فروش مواد مخدر بخشی از فعالیت‌های گروه‌های تروریستی تجزیه‌طلب در نواحی حاشیه‌ای به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری

تروریسم پدیده جدیدی در جهان به شمار نمی‌آید. در دوره‌های گوناگون تاریخی این پدیده از سوی گروه‌ها، افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها علیه بازیگران دیگر مورد استفاده قرار گرفته، اما در چند دهه گذشته بر شدت و فراوانی حملات تروریستی افزوده شده است. به‌طوری‌که هر ساله صدها حمله ویران‌کننده در دورترین نقاط دنیا توسط گروه‌های تروریستی سازمان‌یافته انجام می‌گیرد که نتیجه آن هزاران کشته و زخمی است. این امر موجب شده سازمان ملل متحد تروریسم را یکی از چالش‌های اساسی جهان در قرن ۲۱ بنامد.

از جمله مشکلات موجود در ارائه تعریف بین‌المللی از تروریسم، باید به مواردی مانند مشخص نبودن مرز دقیق آن با سایر اصطلاحات سیاسی (جنگ‌های چریکی، کودتاها، انقلاب) و غیر سیاسی (جرم‌های جنایی و کیفری)، استفاده ابزاری از گروه‌های تروریستی از سوی قدرت‌ها و دولت‌ها، وجود فرم‌ها و مصادیق مختلف اقدامات تروریستی اشاره کرد. مناسب‌ترین تعریف تروریسم از نظر نگارندگان عبارت است از: «استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت (با ابزارهای مختلف) از سوی فرد، گروه یا دولتی علیه اتباع (عمدتاً غیر نظامی) یا اموال یک یا چند کشور به منظور ایجاد رعب و وحشت در جامعه هدف به منظور دستیابی به اهداف سیاسی».

کشور جمهوری اسلامی ایران و ملت ایران در چند دهه اخیر حملات تروریستی بسیاری را تحمل شده‌اند. نقطه اوج این حملات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ رخ داد. اقدامات تروریستی در این دوره علیه سیاست‌مداران، نظامیان و گروه‌های مختلف مردم صورت گرفت. با این حال، الگوی زمانی- مکانی حملات در این کشور، بر اساس نوع گروه‌های تروریستی اعم از ضدانقلاب و تجزیه‌طلب، متفاوت بوده است.

در جمهوری اسلامی ایران سه موج عمده حملات تروریستی، در سه دوره زمانی ۶۱-۱۳۵۷ و ۷۳-۱۳۶۹ و ۹۲-۱۳۸۴، به وقوع پیوسته است. علاوه بر این، الگوی مکانی حملات تروریستی در ایران بر اساس نوع گروه و سازمان‌های تروریستی، متفاوت بوده است. الگوی مکانی حملات گروه‌های ضدانقلابی و ضد حکومتی در تهران و شهرهای بزرگ متمرکز بوده، در حالی که الگوی مکانی حملات تروریست‌های تجزیه‌طلب، با انگیزه‌های قومی و مذهبی در نواحی حاشیه‌ای و پیرامونی کشور متمرکز است.

برخی از این مناطق به دلیل زمینه‌های جغرافیایی و عوامل ژئوپلیتیکی ناشی از شرایط منطقه، مستعد شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌ها و اشرار مسلح‌اند. از جمله نواحی می‌شود به غرب، شمال غرب، جنوب شرق و جنوب غرب کشور اشاره کرد. عوامل جغرافیایی در این مناطق که بسترساز شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌ها و اشرار، به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: بنیادهای زیستی ضعیف، توپوگرافی و وجود عوارض جغرافیایی گسترده، انزوای جغرافیایی

و دوری از مرکز سیاسی حکومت، توسعه نامتوازن منطقه‌ای، تفاوت قومی-مذهبی با حکومت مرکزی، نظام قبیله‌ای و پیوند قومی-مذهبی با آن‌سوی مرز، مرزی بودن، این ویژگی‌های جغرافیایی که با شدت و ضعف در تمام این مناطق دیده می‌شوند، موجب شکل‌گیری شرایطی مانند فضای مناسب جهت اختفا و فرار، کاهش نظارت و اقتدار حکومت، احساس محرومیت بسیار، ایجاد شکاف اجتماعی، عبور غیرقانونی از مرز، قانون‌گریزی و دوری جستن از حکومت مرکزی و بدینی به سیاست‌های حکومت شده‌اند. درواقع این شرایط متغیرهای واسطه‌ای در شکل‌گیری پدیده تروریسم در این منطقه‌اند. علاوه بر این، ویژگی‌های ژئوپلیتیکی مانند قاچاق مواد مخدر، دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و ویژگی‌های حکومت‌های همسایه موجب ایجاد ناامنی ناشی از ترانزیت مواد مخدر، عبور و مرور غیرقانونی از مرز، تبلیغ و ترویج مکتب‌های انحرافی، پشتیبانی از گروه‌های تروریستی و تقویت مالی و اطلاعاتی آن‌ها و همچنین، صدور بحران و ناامنی از کشورهای همسایه (افغانستان، پاکستان و عراق) به این مناطق می‌شود. نتیجه این شرایط ژئوپلیتیک فضا سازی برای شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌هاست. به همین دلیل برخی از گروه‌های تروریستی تجزیه‌طلب در این مناطق به صورت دوره‌ای فعال می‌شوند. نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که این عوامل در کنار یکدیگر و در مجموع موجب شکل‌گیری و فعالیت تروریست‌ها شده و هر یک از آن‌ها در ارتباط با سایر عوامل تغذیه و تقویت می‌شوند. بنابراین، شکل‌گیری پدیده تروریسم در برخی از نواحی حاشیه‌ای کشور حاصل ترکیب زمینه‌های جغرافیایی، به‌منزله عوامل درون‌زا و زیربنایی، و ویژگی‌های ژئوپلیتیک، به‌منزله عوامل به برون‌زا و روبنایی است.

تشریح و قدردانی

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله که مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است، حامی مالی نداشته است.

منابع

- ۱) ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۸). "بنیان‌های جغرافیای جنوب شرق ایران"، زاهدان، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۲) احمدی پور، زهرا؛ (۱۳۸۶) بررسی روند شتاب توسعه‌یافتگی فضای سیاسی- اداری کشور، مطالعه موردی استان‌های ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۸۶-۱۳۸۳)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۳، شماره ۱، صص ۲۲-۴۹.
- ۳) اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۹۰) مجموعه مقالات تروریسم در ایران معاصر، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
- ۴) اطاعت، جواد و دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۵) بررسی ابعاد مکانی-فضایی تروریسم، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۲، شماره ۲، صص ۲۴-۴۷.
- ۵) اطاعت، جواد و دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۳) ارزیابی جغرافیای حملات تروریستی با استفاده از نظریه انتخابی عقلانی، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۵، شماره ۳۷، صص ۶۳-۸۹.
- ۶) اطاعت، جواد و دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۴) جهانی‌شدن ارتباطات و توزیع فعالیت‌های تروریستی، فصلنامه جغرافیا (فصلنامه علمی پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)، سال ۱۳، شماره ۴۵، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- ۷) افشاری سیستانی، ایرج (۱۳۶۹) سیستان نامه، تهران: مرغ آمین.
- ۸) افضل‌ی، رسول و همکاران افضل‌ی زاده، سلمان؛ پویان، داوود (۱۳۹۰) ژئو تروریسم: رویکردی جغرافیایی به تروریسم، فصلنامه مدرس علوم انسانی-برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۲۳.
- ۹) اولین همایش ملی کنترل و نظارت بر پیش سازهای مواد مخدر و روان‌گردان، سردار حسین آبادی رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر، اسفند ۱۳۸۸.
- ۱۰) ایزدی، حسن و دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۰) ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال ۹، شماره ۱، صص ۹۱-۱۲۶.
- ۱۱) بیگدلی، علی (۱۳۷۷) ترورهای سیاسی در تاریخ معاصر ایران، تهران: نشر سروش.

- ۱۲) پور موسوی، سید موسی و همکاران رهنما قره خانگللو، جهانبخش؛ میرزازاده کوهشاهی، مهدی (۱۳۸۹) فعالیت‌های تروریستی پژاک و امنیت جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال ۳، شماره ۹، صص ۱۲۱-۱۳۶.
- ۱۳) پیشگاهی فرد، زهرا؛ و همکاران میرزازاده کوهشاهی، مهدی (۱۳۹۳) تبیین عوامل مؤثر در بحران زایی و مدیریت مرزهای ایران و پاکستان، جغرافیا و توسعه، دوره، شماره ۳۶، صص ۶۱-۸۰.
- ۱۴) جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۷۲) کردستان علل تداوم بحران آن پس از انقلاب اسلامی، تهران: وزارت امور خارجه. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۵) حافظ، محمدرضا (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی، تهران: سمت
- ۱۶) حسینی، محمد (۱۳۸۵) سیستان و بلوچستان: ناامنی و ریشه‌ها، راهبرد چشم‌انداز ایران، دوره ۸، شماره ۳۸، صص ۵-۱۲.
- ۱۷) عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶) تروریسم شناسی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۸) علایی طالقانی، محمود (۱۳۸۲) ژئومورفولوژیکی ایران، ج دوم، تهران: قومس.
- ۱۹) قالیباف، محمداقبر (۱۳۷۵) بررسی نقش عناصر جغرافیایی در امنیت سیستان و بلوچستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران.
- ۲۰) قوشچی، محمدرضا و نادری، محمد (۱۳۹۳) جهانی شدن و تکثر قومی در ایران، چالش، و فرصت، فصلنامه راهبردی مطالعات جهانی شدن، دوره ۱۷، شماره ۱۴، صص ۵۵-۹۱.
- ۲۱) کامران، حسن؛ و همکاران غلامی بهادر، یاری اسلام، حسینی امینی حسن، خالدی حسین (۱۳۸۴) جغرافیا و قدرت ملی ایران، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیا، دوره ۵، شماره ۱۶، صص ۵-۲۸.
- ۲۲) کلاتری، خلیل (۱۳۷۷) شناسایی مناطق عقب‌مانده در ایران، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیا، دوره ۱۳، شماره ۴۸، صص ۱۲۰-۱۳۱.
- ۲۳) گالاهر، کارلین؛ و همکاران دیگران (۱۳۹۱) مفاهیم کلیدی در جغرافیای سیاسی، ترجمه محمدحسین نامی و علی محمدپور، تهران: زیتون سبز.

- ۲۴) مختاری هشی، حسین؛ مومنی، مهدی؛ باقری، مهرداد (۱۳۹۳) تدوین راهبردهای آمایش مناطق مرزی، مطالعات موردی، مرزهای شرقی کشور، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیا، پاییز، دوره ۲۹، شماره ۳، صص ۲۳۷-۲۵۴.
- ۲۵) مشکینی، قدیر (۱۳۷۸) جمعیت و امنیت؛ امکانات و موانع پیدایش دولت کردی در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲، شماره ۵ و ۶، صص ۱۵۷-۱۸۴.
- ۲۶) والتر، رایش (۱۳۸۱) ریشه‌های تروریسم، ترجمه حسین محمدی نجم، چ ۱، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- ۲۷) هاشمی، روح‌الله (۱۳۹۲) کالبد شکافی تروریسم و استراتژی مقابله با آن، روزنامه افغانستان ما؛ شنبه ۴ جوزا.
- ۲۸) نگارش، حسین و محمود خسروی (۱۳۷۹) بررسی اقلیم کشاورزی سیستان و بلوچستان. طرح پژوهشی، زاهدان، حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۲۹) سایت آفتاب نیوز، تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۲
- ۳۰) سایت خبری-تحلیلی مشرق
- ۳۱) پایگاه اطلاع‌رسانی قربانیان ترور (هابلیان).
- 32) Crenshaw, Martha (1981) the Caus of Terrorism", Comparative Politics journal, The City University of New Vol.13, No.4, pp 71-99
- 33) Global Terrorism Index (2014) Measuring and Understanding The Impact.